

پیامی برای شهریار

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پروردگار عالم هستی در شبی که فرزندان شهریار ولی از ما انتظار پیامی را نداشت این نوشتار پیام گونه را تدوین میکنیم تا به قلب فرزند خوشحالی و سرور وارد کنیم. در این نوشتار به دو موضوع اشاره میکنیم که یکی از آنها حرفه ای ست که شهریار ما اخیراً آنرا آغاز نموده و دیگری عبارت از زمانی ست که برای ظهورش در نظر داریم. شهریار ولی برای حرفه ریاستی که در اختیارش گذاشتیم در دل شادمان است زیرا از نگرانی آزاردهنده ای که در آن بود نجات یافت و اکنون میداند که جای پایش محکم و بدور از تزلزل است. با اینهمه شهریار بنیکی آگاه است که این کار تنها برای چند روز دیگر در جریان است و دیری نخواهد بود که فرزند اذن ظهور یافته جهانی را بنور خود روشن سازد. پرده ای که بین ما و فرزندان کشیده شده مانع از این نیست که قلبهای اقدس ما دو وجود الهی با هم ممزوج گردیده جریان اطلاعات بنحوی که ما صلاح دانیم بین ما صورت پذیرد. ابر تیرگی که آسمان ایران را بمدت چهل و چند سال فراگرفته بود اکنون بکناری رفته فضا برای بیرون آمدن خورشید تابان باز میشود. مهر برین که همانا شهریار ماست در دنیای شما ناشناخته بود و تا بدین لحظه بعنوان پزشکی که در حرفه اش زمان بسیاری را برای کارهای کناری در اختیار داشته مشغول بوده است. شهریار ولی از دایره ای از دوستان که تا چندی پیش در شهر نیویورک گردش را گرفته بودند با تلخی جدا شد و علت این امر اینبود که این بظاهر دوستان در واقع دشمنی فرزند را در دل داشتند. در خلال نوشتارهایی که در آنها به معارضین پرداخته ایم نام دو نفر از اینان را آشکار کردیم. در این نوشتار نام یکی دیگر از این معارضین را که برای شهریار نیز تازگی دارد فاش میکنیم. زنی بنام فرزانه تندکار با طنازی خود را به شهریار ولی نزدیک کرد و دکتر مرتضوی که ریاست این گروه از پزشکان جوان را بر عهده داشت با دانستن اینکه این زن از نظر روحی دچار تزلزل است طرحی برای برقراری پیوند ازدواج مابین ایندو ریخت. ما پروردگار در ذهن شهریارمان این ترفند را القا کردیم که باید شریک ازدواجش صاحب ایمان قوی و حتی التزام به حجاب داشته باشد. این روش کار خود را کرد و تندکار از اینکه به این ازدواج امید بندد منصرف

شد. با این کار طرح مرتضوی نیز خنثی گردیده در دل بر خود نهیب زد که چرا کسی که خار چشم خود میدید از درگیر شدن در ازدواجی نابودگر نجات یافت. آنچه تندکار با مشاهده ظهور شهریار ولی صورت میدهد اینست که به گروه مرتضوی پیوسته برای پایین کشاندن فرزند از مسندی که بحق باو تعلق دارد تلاش کند. تندکار باید بداند که با چنین کاری تنها آتش دوزخ را بر خود تیزتر میکند و این سرنوشتی ست که برای مرتضوی و شرکای نابکارش در انتظار است. عالم اینرا بداند...